**آثار شیخیه (2)**

**بحرالعلومی، حسین**

اینک اشارتی مختصر به عقاید این فرقه لازم می‏نماید.ارکان اربعهء اصول عقاید شیخیه‏ عبارتست از توحید،معرفت پیغمبر(ص)،معرفت امام و معرفت شیعیان‏1(تولی و تبری). دربارهء توحید عقیدهء این فرقه این است که«خدای عز و جل ذاتی است یگانه بی‏همتا و یگانگی‏ او بادراک خلق نمی‏آید و کنه او بر ما مجهول است(لا تدرکه الابصار و هو یدرک الابصار)2 اما صفات کمالیه که در خدا اثبات می‏کنیم عین ذات است شریکی برای خدا نیست و متصرفی‏ غیر از او نیست».3

در مورد پیغمبر اکرم(ص)می‏گویند آن حضرت رسول خداست که بسوی کافهء ناس از جانب پروردگار فرستاده شده و خاتم انبیاست و تا قیامت مردم امت او هستند پیغمبری بعد از او مبعوث نمی‏شود،او بندهء خدا و مطیع خدا بود و اطاعت او را خداوند در جمیع امور بر بندگان‏ واجب فرمود.4

اما در این مکتب امام‏شناسی و درک معرفت امام بر این محور دور می‏زند که چهارده‏ معصوم به هیأت خود عالم امکان را پر کرده‏اند و در حیزی از هستی وجود دارند که از لحاظ وجودی و حقیقت وجود بر ظهور مجازی اشخاصشان در این دنیا مقدم است.انفاس طیبه چهارده‏ معصوم بمنزلهء ظهور اولیه و تجلیات ازلیه هستند که پدید آمده‏اند و اسماء و صفات الهی‏ هستند.6

اما مسائل خاصی که باید در این مکتب مورد توجه قرار گیرد از اینقرار است:

1-مسأله معاد:چنانکه ملاحظه شد شیخیه معاد را جزو اصول دین نیاورده‏اند و به‏ پرسشی که واعظ محترم آقای فلسفی(در خصوص 25 پرسش آقای فلسفی و پاسخهای آنها بعدا توضیح خواهیم داد)در این مورد کرده‏اند که«مگر شما معاد را رکن دین و ضروری اسلام‏ نمی‏دانید؟»مرحوم حاج ابو القاسم خان پاسخ داده است که چرا،معاد را ضروری اسلام و منکر آنرا کافر می‏دانیم...اما چون معاد از فروع نبوت است و نبوت را رکن شمرده‏ایم رکن‏ نبوت کفایت از معاد می‏کند و انکار هریک از فرموده‏های پیغمبر(ص)از روی علم انکار خود (1)-مکتب شیخی از حکمت الهی شیعی بقلم هنری کر بن ص 88.

(2)-قرآن کریم سورهء انعام آیه 301

(3)-رسالهء فلسفیه ص 58 تا 62

(4)-همان مأخذ ص 62 و 63

(5)-مکتب شیخی هنری کر بن ص 88.

(6)-حاج ابو القاسم ابراهیمی،رسالهء فلسفیه ص 73.

پیغمبر است و اگر به همهء آنها هم رکن دین بگوئی صحیح است و مانعی از آن نیست و بهرحال‏ معاد با هریک از جزئیات آن‏که ضروری اسلام است مخصوصا موضوع جسمانی بودن را اگر کسی انکار کند کفر است و اینکه جزو اصول نشمرده‏ایم برای این است که جزو ما جاء به النبی‏ است.شیخیه می‏گویند:چیزی که بعد از انحلال بدن عنصری از انسان باقی می‏ماند جسم‏ لطیفی است که آن را جسم هور قلیائی می‏گویند.1شیخ احمد احسائی می‏گوید:2 انسان را دو جسم و جسد است،اما جسد اول مرکب از عناصر زمانیه است و این جسد مانند جامه‏ای است که انسان آنرا می‏پوشد و از تن بیرون می‏آورد...

اما جسد دوم جسد باقی است و آن طینتی است که(انسان)از آن آفریده شده و در گور او باقی می‏ماند آنگاه که زمین جسد عنصری را بخورد و هر جزء از آن پراکنده گردد و به اصل خویش ملحق شود جسد مزبور مستدیرا باقی می‏ماند و این جسد انسان است که نه‏ زیاده گردد و نه کم شود و در قبر پس از زوال جسد عنصری که کثافت و اعراض از آنست‏ باقی ماند...

2-مسألهء اجتهاد و تقلید:در این مورد فرقهء شیخیه را نه به تمام معنی کلمه می‏توان‏ اصولی دانست و نه اخباری.چنانکه می‏دانیم ادلهء احکام نزد علمای اصولی چهار چیز است:

کتاب(قرآن)،سنت،عقل و اجماع،و علمای اخباری کتاب و سنت را ملاک عمل می‏دانند و به‏ اجماع و عقل توجه نمی‏کنند وضع شیخیه در این مسأله نه اصولی است که بر پایهء ادلهء عقلیه و مبانی و موضوعه متکی باشد و نه اخباری.که عینا لفظ و ظاهر کلامات را بگیرند،(همانطور که حکمت الهی شیخی هم نه حکمت مکتب ملا صدرا است و نه حکمت نظری و شهودی صوفی) آنان می‏گویند تقلید را نمی‏توان بمعنای مشهور کلمه و بر طبق عمل جاری بگیریم،بلکه‏ تقلید نیست مگر از امام معصوم و خبر امام مبین معانی خفیه و اسرار کتاب است و یک فتوای‏ با یک خبر و روایت فرق ندارد و در حقیقت فتوای ترجمهء خبر و شرح و بسط آن و رسیدگی‏ بعمق آنست.3

3-رکن رابع(تولی و تبری):مرحوم حاج ابو القاسم خان نوشته است:4مقصود از رکن رابع همان تولی و تبری است که همهء علمای متقدمین و متأخرین فرموده‏اند و واجب‏ دانسته و منظور شخص معینی نیست بلکه مراد تولای همهء دوستان آل محمد است و برائت از همهء دشمنان ایشان.عده‏ای از علمای متقدمین نه همهء ایشان ولایت و برائت را از فروع شمرده‏اند و عدهء دیگر از علمای متقدمین و مشایخ ما جزو اصول دین شمرده‏اند و اما اینکه مراد ما از رکن‏ رابع شخص معینی است تهمتی است که به ما بسته‏اند.

بعقیدهء شیخیه اشخاصی هستند که از لحاظ معنویت از دیگران کاملترند و بخدا نزدیکتر قرآن آنان را اصحاب الیمین،سابقون و مقربون می‏خواند.از زمان ائمه تاکنون چنین‏ افرادی بوده و هستند،آنچه که به اسم رکن رابع خوانده می‏شود شامل همهء این اولیاست‏ (1)-قالب مثالی یا جسم مثالی (Corpe astral)

(2)-شرح الزیارة ص 365 و 266.

(3)-هنری کر بن،مکتب شیخی ص 69 تا 71.

(4)-رسالهء فلسفیه ص 183.

که پنهان از انظار یکی پس از دیگری می‏آیند و مخفی هستند و نمی‏توانند خود را آشکار سازند بنابراین منظور شناختن نوعی این افراد کامله است و معرفت دسته‏جمعی و نوعی وجود ایشان.1

فهرستهای آثار شیخیه

فهرست‏های مختلفی از آثار شیخیه در دست است که از جمله باید این فهرست‏ها را نام برد:

1-فهرستی که به خط مرحوم سید کاظم رشتی باقی‏مانده و شامل آثار شیخ احمد احسائی‏ و خود سید کاظم است.

2-فهرستی که حاج سید عبد المجید فائقی در سال 1345 هـ.ق.فراهم آورده و متجازو از 1500 صفحه است و نسخه خطی آن در کتابخانهء ابراهیمیه ضبط است.

3-فهرستی که به دستور مرحوم حاج محمد خان فراهم آمده و شامل فهرست کتب‏ شیخ احمد و سید کاظم و حاج محمد کریم خان و قسمتی از کتب حاج محمد خان است که تا آن زمان تصنیف شده بوده.

4-رسالهء شرح احوال شیخ احمد احسائی که مرحوم حاج محمد خان فراهم آورده و کتب شیخ را ذکر کرده است.

5-فهرست جامعی که مرحوم حاج ابو القاسم خان به درخواست کتابخانهء آستان قدس‏ رضوی در سال 1329 فراهم آورده است.این کتاب در دو مجلد تألیف شده که جلد اول شامل‏ شرح احوال مشایخ این مکتب تا خود مؤلف است و مجلد دوم فهرست کتب هریک از مشایخ و توضیح مختصری دربارهء بعضی از آن کتابهاست.فهرست اخیر شامل 845 رساله،82 فائده، 23 عایده،7 خطبه،1552 موعظه،1653 درس،18 مراسله،دو مقاله و 14 وارده است.

آنچه دربارهء آثار مشایخ شیخیه باید در درجهء اول مورد توجه قرار گیرد یکی کثرت‏ این آثار و دیگر تنوع آنهاست این کتابها و رساله‏ها در علوم فنون مختلفی است از قبیل: حکمت و فلسفه،طب علمی و عملی،اصول فقه.حدیث،کیمیا،موسیقی،تقویم،بنائی، نور،صوت تجوید،تفسیر،الواح،اعداد،طلسمات،رمل،علوم طبیعی،زراعت، ریاضی،علوم ادبی و غیره و در قسمتی از این آثار جنبه‏های ابتکاری آنها جالب توجه است و حتی مرحوم حاج محمد کریم خان بجای اسطرلاب اسبایی اختراع نمود به نام حلقهء کریمیه‏ و در طرز استفاده از آن هم رساله‏ای نوشت.

مجموع کتابها و رساله‏های این مشایخ از 1200 مجلد افزون است و حدود 300 مجلد آن به زبان فارسی است و پس از این شرح آنها خواهد آمد.

(1)-نگارنده با مطالعه کتب شیخیه و چند جلسه صحبت با آقای عبد الرضا خان(سرکار آقا)بیش از این نتوانست از این موضوع اطلاع حاصل کند تفصیل را رجوع شود به:ارشاد العوام-الفطرة السلیمه-طریق النجاة-ینابیع الحکمه-تنزیه الاولیاء-رسالهء فلسفیه- مکتب شیخی از حکمت الهی شیعی و غیره.